

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تاریخ سیاسی ۱

لارنس کلی

ترجمہ

غلامحسین میرزا صالح

دیپلماسی و قتل
در تہران

نشر نگاہ معاصر

فهرست

۷	پیشگفتار
۱۵	تحصیل در مسکو
۳۱	جنگ ۱۸۱۲
۴۳	شروع زندگی ادبی
۵۵	دوئل
۶۷	به سوی تبعیدگاه
۷۷	ورود به تفلیس
۸۷	یرمولف و امپریالیسم روسیه
۹۵	سفر به تهران
۱۰۷	تبریز و نظامیان فراری روس
۱۱۹	اقدامات دیپلماتیک
۱۳۳	بازگشت به تفلیس
۱۴۳	عشق و سیاست در سنت پترزبورگ
۱۵۷	جنگ با ایران
۱۷۱	مذاکرات آتش‌بس
۱۸۱	عهدنامه ترکمانچای
۱۹۵	بازگشت قهرمان
۲۰۷	مهرورزی و ازدواج
۲۲۱	از تبریز تا تهران
۲۳۳	شمارش معکوس برای قتل عام
۲۴۵	بازتاب سیاسی
۲۵۵	پیامد

۲۶۱	تکمله
۲۶۳	نظریه دست پنهان انگلیس در قتل گریبایدف
۲۸۷	نمایه

پیشگفتار

الکساندر پوشکین در بهار سال ۱۸۲۹ به عزم دیدار با برادرش که در خط مخاصمه روس و عثمانی خدمت می‌کرد، در حال سفر به قفقاز بود. او به هنگام عبور از کوهستان‌های منطقه با منظره‌ای غیرعادی روبه‌رو شد:

دو ورز او که به یک‌گاری بسته شده بودند در سراشیب تند جاده‌ای کوهستانی پایین می‌رفتند. تنی چند گرجی همراه گاری راه می‌سپردند. از آنان پرسیدم: از کجا می‌آید؟

-از تهران.

-درگاری چه دارید؟

-گریباید.^۱

دو ماه پیش از آن الکساندر سیرگیویچ گریبایدف^۲ وزیر مختار روسیه در تهران، با تقریباً همه اعضای سفارتش، به دست گروهی ایرانی خشمگین به قتل رسیده بودند. آن واقعه نقطه اوج دومین جنگ ایران و روس و عهدنامه صلح متعاقب آن به نام ترکمانچای بود که گریبایدف را برای تحمیل شرایط تحقیرآمیزش به ایران اعزام کرده بودند. هر چند گریبایدف در تهیه پیش‌نویس عهدنامه نقش مهمی داشت، اما از انجام مأموریت خویش در هول و ولا بسر می‌برد. پوشکین نوشت:

باور نداشتم بار دیگر گریبایدف خودمان را ببینم. سال پیش در سنت پترزبورگ، قبل از آن که عازم ایران شود، با او وداع کرده بودم. غمگین می‌نمود و دلشوره عجیبی داشت. در فکر دلداریش بودم که گفت:

1. Griboyed

2. Alexander Sergeyvich Griboydov

"Vous ne connaissez pas ces gens-là: Vous verrez qu'il faudra jouer des couteaux."^۱

او بر این تصور بود که مرگ شاه باعث خونریزی خواهد شد و به جنگ و دشمنی میان هفتاد پسرش می‌انجامد. هر چند شاه فرتوت همچنان زنده است، اما پیشگویی گریبایدف راست از آب درآمد.

سابقهٔ آشنایی پوشکین با گریبایدف به سال ۱۸۱۷ باز می‌گشت، زمانی که آنان در سنین هیجده و بیست و دو در میان ستارگان در حال درخشش ادبیات و تئاتر سنت پترزبورگ بسر می‌بردند. پوشکین می‌نویسد، همه چیز او:

شخصیت سودایی‌اش، ذکاوت قزاقی‌اش، طبیعت پاکش، بخصوص ضعف و قباحتش، همدلی‌هایش با انسان‌ها و هر چیز دیگرش دلپذیر و خوشایند بود. به خاطر نخوت قرین قریحه‌اش مدت‌ها گرفتار ضروریات ناچیز و گمنامی گردید. توانایی او به عنوان یک دولتمرد نادیده انگاشته شد و به استعداد شاعری‌اش اعتنایی نشد. حتی تا مدت‌ها شجاعت فوق‌العاده و غیرقابل انکارش مورد تردید بود. بعضی از دوستان که منکر ارزش و اعتبار او نبودند، لبخندی از روی شک و تردید می‌زدند، لبخندی ابلهانه و غیرقابل تحمل. همیشه در صحبت‌هایشان او را آدمی عجیب و غریب می‌خواندند.

دو سال بعد، پس از یک دوئل، او را ناگزیر به ترک پایتخت کردند تا در وضعیت نیمه‌تبعید، در مقام یک دیپلمات در گرجستان و ایران مشغول خدمت شود. پوشکین این دوران از زندگی گریبایدف را «تاریک‌ترین ابرهای تیره» وصف می‌کند و می‌نویسد: «پیامد شوری آتشین و موقعیتی قاهرانه» که دوئل مورد نظر قطعاً یکی از همین‌ها بود. گریبایدف از آن پس زندگی دوگانه‌ای در پیش گرفت. از یک طرف بیش از پیش به نقش‌آفرینی مهم در بازی روابط ایران و روسیه مبدل گردید و از سوی دیگر نویسنده‌ای نابغه شناخته شد که نثر طنزآلودش در مصیبت عقل^۲ یکی از بزرگ‌ترین شاهکارهای تئاتر روسیه است.

۱. شما این آدم‌ها را نمی‌شناسید، کار به چاقو و چاقوکشی خواهد کشید.

گریبایدف پس از ترک گفتن سنت پترزبورگ به مدت پنج سال در گرجستان و ایران بسر برد. در این مدت، نخست به عنوان عضو سیاسی در تبریز، مرکز سیاسی دولت ایران و سپس در مقام مشاور سیاسی ژنرال یرمولف^۱ به خدمت پرداخت، همان شخصیت افسانه‌ای در تاریخ منطقه و سرکوبگر قبایل سرکش آن سرزمین با توسل به سیاست وحشت و زمین سوخته.

گریبایدف در آن سال‌ها بر مهارت دیپلماتیک خود افزود، دانش خویش در زبان فارسی را تکمیل کرد و سفر در شرایط طاقت‌فرسا در سرزمین‌های ناشناخته و خوفناک کوهستانی را تجربه نمود. نامه‌هایش در توصیف ماجراهایی که از سرگذرانیده، مقام ویژه‌ای در میان مکتوب‌نویسان روسی به او بخشیده است. اینک از زمان نشر آن نامه‌ها به زبان انگلیسی مدتها می‌گذرد. از اینها مهم‌تر، در همین ایام بود که قالب مصیبت عقل در ذهنش شکل گرفت.

گریبایدف در بهار ۱۸۲۳ به هنگام گذرانیدن ایام مرخصی در مسکو توانست به آنچه که درباره توطئه و ریا و سالوس طبقه اشراف در ذهن داشت جان ببخشد و به صورت درخشانی در مصیبت عقل هجو کند و در تابستان همان سال کار نگارش آن نمایشنامه را به اتمام برساند. انتشار متن خطی که تقریباً بلافاصله انجام گرفت و نسخه‌خوانی آن نشان داد که گریبایدف «جرقه‌های آن را» در میان مخاطبان خاص «پراکنده» است. اما تقبیح جامعه پیش از آن بی‌پرده و ویرانگر بود که اداره سانسور سنت پترزبورگ با چاپ آن روی خوش نشان دهد و پس از هشت ماه کوشش فقط با انتشار چند صفحه آن در مجله راشین تالیاً^۲ متعلق به بولگازین^۳ موافقت شد. در همین احوال دوستان گریبایدف دست به کار شدند و به صورت گروهی از افسران و دانشجویان جوان اقدام به تهیه نسخه‌هایی از نمایشنامه کردند. در شکل اولیه «سامیزدات»^۴

1. Alexis Petrovich Yermolov

2. *Russian Thalia*

3. Faddei Venediktovich Bulgarin

۴. Samizdat یا نشر خصوصی در داخل کشور و Tamizdat یا نشر خارج از کشور. مقصود دستنوشته کتاب‌های ممنوع، نامه‌ها، اشعار، اعلامیه‌ها و ... است که از اوایل دهه ۱۹۶۰ در اتحاد شوروی رواج یافت و تا اندازه‌ای خلأ ناشی از سانسور و سلطه رسانه‌های دولتی را پر کرد.

از این نسخ نیز به تکرار رونوشت‌هایی آماده گردید، تا جایی که می‌گفتند در سال ۱۸۳۰ بیش از چهل هزار نسخه از آن نمایشنامه دست به دست می‌شده است و کمتر شهری در روسیه بود که نمایشنامه در آن خوانده نشده باشد.

پوشکین می‌نویسد: نمایشنامه چنان «تأثیر وصف‌ناشدنی» از خود بر جای نهاد که باعث شد گریبایدف یک شبه به سطح مشهورترین شاعران روسیه ارتقاء یابد. ابیات موزون و به شکل غیر معمول بلند و نثر شیوای آن به زودی بر سر زبان‌ها افتاد. پوشکین پس از نخستین باری که نمایشنامه را خواند، پیش‌بینی کرد که متجاوز از نیمی از آن به صورت مثل و مثل در خواهد آمد. لحن نکته‌سنج، بذله‌گو و فاخر نمایشنامه تقریباً ترجمه آن را ناممکن می‌سازد. شاید به همین دلیل باشد که نمایشنامه تا حدی در خارج از روسیه ناشناخته مانده است، هر چند کوشش آنتونی برجس^۱ در به صحنه بردن نمایشنامه در تئاتر آلمیدا^۲ در شهرک ایزلینگتون^۳ واقع در حومه لندن کوششی در جهت برطرف کردن این مشکل بود.

تداول عبارات و کلمات قصار برگرفته از مصیبت عقل در روسیه بسیار رواج دارد و در هر گفتگویی شنیده می‌شود. بر اساس برآورد اخیر بیشترین نقل قول‌های کلامی برگرفته از آن است. ادبیات روسیه آکنده از ارجاعات مختلف به مصیبت عقل است. پوشکین نخستین فرد از فهرست بلندبالای نویسندگانی بود که در یوگنی آنگین از آن گرت‌برداری کرد. مصیبت عقل از نگاه این دسته از اهل قلم سنگ محکی بود استوار. گنچاروف^۴ اعتقاد داشت:

نثری عامیانه، نمکین، گزنده و طنزآلود که به نظر ابدی می‌رسد. نثری فراتر از تیزی و تلخی و سرزندگی و استعداد روسی که سراسر آن را فرا گرفته و گریبایدف بر آن گنجینه فقلی نهاده است، همانند جادوگری که ارواحی را در قصر خود حبس کرده باشد، جایی که صدای قهقهه شومی از آن به گوش می‌رسد. سخنی بیش از آن طبیعی، ساده و یکپارچه که از زندگی نشأت گرفته باشد، ناممکن است.

1. Anthony Burgess

2. Almeida

3. Islington

4. Ivàn Aleksandrovich Gonchàrov

یک سال پیش از خیزش ناکام دکابریست‌ها در ۱۸۲۵، ظهور مصیبت عقل‌مانیفست نسل اشرافی لیبرال مسلک تلقی می‌شد، نسل نگون‌بختی که گریبایدف و بخصوص هر تسن^۱ در شمار آنان بودند. بحث و گفتگو دربارهٔ این که مصیبت عقل تا چه حد سیاسی بود و تا چه اندازه نشانهٔ اعتراض هر جوان آرمانگرا بر ضد نسل ماقبل خود، از همان زمان تداوم داشته است، تا جایی که به ادعای مورخان اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی، گریبایدف یک مارکسیست افتخاری قلمداد می‌گردید. شکست دکابریست‌ها که به مرگ و یا سالیان دراز تبعید نزدیک‌ترین دوستان گریبایدف انجامید، بدون تردید ابرهای تیرهٔ دیگری بود که بر زندگی او سایه افکند. به رغم آن که پس از دستگیری و سه ماه بازجویی، جان سالم بدر برد، اما عذاب حاصل از سرنوشت دوستانش، او را به سوی شهادتی به شیوهٔ کاملاً متفاوت سوق داد.

در دوران مصیبت‌بار پس از نهضت دکابریست‌ها که مصادف با سال‌های نخست حکومت نیکلای اول بود، اعتراض ادبی سرکوب می‌شد و تبعیت از سیاست حاکم به شدت اعمال می‌گردید. برای گریبایدف راه نجات، فرار به قفقاز و گرجستان با فرهنگ و پرشور بود. ناسیونالیسم افراطی و وطن‌پرستی او همیشه به گونه‌ای، در دوران خدمت سیاسی‌اش و در روند گسترش قلمرو روسیه به زیان دو کشور همسایه، ایران و عثمانی تجلی می‌یافت. گریبایدف در بطن امپریالیسم روسیه یک تاریخ‌ساز محسوب می‌شد. عهدنامهٔ ترکمانچای همان قدر برای منطقه اهمیت داشت که کنگرهٔ وین برای اروپا. البته با این تفاوت که برخلاف تصمیمات کنگرهٔ وین، مرزهای تعیین‌شده در ترکمانچای همچنان معتبر شناخته می‌شود.

زندگی گریبایدف و حوادث پرتلاطم آن، از سالن‌های ادبی سنت پترزبورگ تا قلل پربرف قفقاز، تاکنون به صورت کامل موضوع هیچ زندگینامه‌ای به زبان انگلیسی نبوده است. زندگینامه ادبی او به زبان فرانسه تألیف پروفیسور ژان بنامور^۲ تحت عنوان گریبایدف و حیات ادبی دوران او^۳ نیز

1. Aleksandr Ivanovich Herzen

2. Jean Bonamour

3. *Griboydov et la vie littéraire de son temps*

جایگاه او در ادبیات روسیه است و فقط مختصری به زندگی اش در مقام یک دیپلمات پرداخته است. در خود روسیه، پژوهش در باب پیشینه دیپلماتیک گریبایدف، از دیرباز آمیخته به تئوری توطئه بوده است. بن مایه این نظریه، بر حسب ظاهر، از دست پنهان و خیانت آمیز انگلیسی ها، در ماجرای قتل او در تهران نشأت می گرفت. نگرش رژیم سابق روسیه در دوران جنگ سرد هم بر همین منوال بود، هر چند عدم دسترسی پژوهشگران روسیه در ایام حاکمیت بلشویک ها به منابع انگلیسی، به ویژه بایگانی وزارت امور خارجه بریتانیا و اسناد کتابخانه دیوان هند در مورد ایران، در اتخاذ خط مشی ضد انگلیسی مؤثر بوده است.

از جمله اهداف این کتاب پیراستن این تصویر نادرست و بازنگری همه جانبه در موضوع روابط ایران و روسیه در آن ایام است. ضمناً در راستای آن به بررسی نقش شخص گریبایدف در «بازی بزرگ» خواهیم پرداخت که مدتی بعد آغاز شد. کمتر کسی بود که نقش مهمی در بازی شطرنج شرق داشته باشد و با گریبایدف آشنا نباشد. از شاه و ولیعهد عباس میرزا و وزرای آنان گرفته، تا افراد برجسته هیئت سیاسی بریتانیا چون مکدونالد^۱ و دکتر مکنیل^۲ و همچنین یرمولف و پاسکوویچ^۳ در ربط با روس ها.

روسیان به گریبایدف به خاطر خلق یک کمدی منظوم جاویدان همیشه عشق خواهند ورزید، کسی که چاتسکی^۴، قهرمان تحقیر شده اش نماد امیدها و خیال پروری های نسل دکابریست ها بود و چونان پوشکین و لرمانتف که در جوانی مردند، در اوج شهرت، رشته عمرش در یک خشونت از هم گسست. نقش گریبایدف در مقام یک دیپلمات کمتر شناخته شده است، هر چند بدون در نظر گرفتن زمینه های گرجی و ایرانی، زندگی و مرگش قابل درک نخواهد بود. سال های تبعید ناخواسته اش در شرق در شکل گرفتن شخصیت او مؤثر بود. شور و شگفتی تفلیس، مناظر زیبا و شکوهمند آن و سرخوشی وصف ناپذیر، هر چند اندک مدت از دواج با نینا چاوچاوازه^۵ شاهزاده خانم

1. Sir John Macdonald

2. Sir John McNeill

3. Ivan Paskievich

4. Chatsky

5. Nina Chavchavadze